



آموزش پیانو

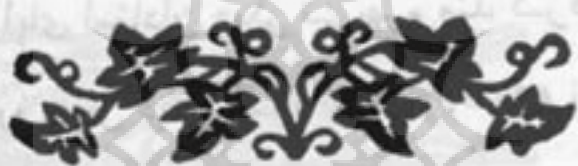
دنباله شماره پیش

در مقاله پیش در زمینه آموزش پیانو بررسی بعمل آورده و کوشیدیم که نتیجه تمرینات و اکتسابات آموزش کنونی پیانو را در دسترس کسانی که بدین موضوع علاقمند هستند بگذاریم

اینک در مهم ترین قسمت این موضوع یعنی (برگزیدن استاد) بشرح می پردازیم.

پدران و مادرانیکه میخواهند فرزندان خویش را با آموزش پیانو بگمارند نخست چنین میاندیشند. چه روشی بر گزینیم و فرزندان خود را بکدامین استاد سپاریم؟ بدیهی است آنانکه تا اندازه ای از اهمیت موسیقی و آموزش آن آگاهی دارند استادی شایسته بر میگزینند ولی بیشتر چنین پیش میآید که فرزندان خویش را بدست استادی که مشهور تر است و شاگرد فراوان دارد میسپارند بطور کلی بیشتر مردم چنین میپندارند که برای آغاز کردن درس پیانو دانستن چگونگی استاد چندان مهم نیست و هنگامیکه شاگرد در نواختن اندک توانائی در یافت باید نزد استادی شایسته برود این پندار نا درست خطاهای بزرگی را موجب میگردد زیرا نخستین آموزگار

است که ذوق تحصیل موسیقی را در شاگرد پدید آورده و یا بطور کلی از وی میستاند اوست که به دستهای شاگرد وضع زیبا یا نازیبائی بخشیده ویرا به نخستین پایه‌های کوب (Rythme) آشنا میسازد عیبها نیکه بر اثر نداشتن استادی شایسته و آگاه در شاگرد پدید میآید بآسانی و برار هائیکرده جز با زحمت فراوان و صرف نیرو و وقت بسیار از میان نخواهد رفت ، استاد بد در آغاز کار ذوق و قریحه شاگرد را تیره کرده تحصیل پیانو را در دیده وی دگر گونه جلوه میدهد بعلاوه نمیتواند شور و هیجانی را که برای پیشرفت کار لازمست در روح او بر انگیزد ! استاد بد نمیتواند استعداد شاگردی را که بصفات نیک متصف ولی اندکی محجوب میباشد بکار بیاندازد و بالعکس شخصیت و استعداد او را با روش زحمت خود از میان خواهد برد.



چه بسا کسانی که خویشان را با افتخار بسیار «استاد» میخوانند در صورتیکه هیچگونه حق و شایستگی این نام را ندارند ، هم اینان سبب شده اند که بسیار از کسانی که بآموختن پیانو پرداخته اند بر اثر نداشتن روش درست یا هیچگونه پیشرفتی نکرده و یا موسیقی را رها کرده اند.

استاد باید از روز نخست باشاگردان بنیکی رفتار کرده در آنان حس اعتماد و اطمینانی نسبت بخویش ایجاد کند.

باز شناختن استاد خوب از بد برای يك موسیقی دان آگاه بسی آسان است ولی برای آنان که از موسیقی بهره ای ندارند بسیار دشوار میباشد و بهتر است برای پی بردن بحقیقت و یافتن اطمینان با موسیقی دانی بیطرف مشورت کنند بدیهی است استادانی که ارزش کار خود را نشان داده و با تربیت شاگردانی برجسته خواشرا بزمگمان شناسانیده اند از موضوع بحث ما بیرون بوده و میتوان آنان را در همه حال مورد اطمینان دانست .

يك استاد شایسته باید چه صفاتی دارا باشد؟
استاد پیش از همه چیز باید عاشق موسیقی بوده پیشه خویش را پرستش کند
شاگردان را دوست داشته از پیشرفت آنان شاد شود، او باید موسیقی و آنچه بسا آن
پیوستگی دارد خوب بداند تا بتواند در موز تکنیک و طرز اجرای آهنگها را بشاگردان خود
بیاموزد. آنانرا از تاریخ موسیقی بیاگاهاند و بسبکهای مختلف آشنا سازد، تا معنی آنچه
مینوازند دریابند و هر آهنگرا بسبکی که مخصوص آنست اجرا کنند.

بنا بر این يك استاد خوب باید در همان حال هنر پیشه ای دانشمند و آشنا
بر موز فن آموزش و پرورش باشد. بدیهی است بندرت پیش میآید که استاد همه
شرایط لازم را دارا باشد و از اینرو بهتر آنست که شاگرد پس از چند سال استاد را
تغییر دهد تا بتواند از مزایای استادان دیگر نیز بهره مند گردد. ولی بدین شرط
که باینکار خونگیرد و هر روز هوس دیدن استاد نورا در اندیشه نیاورد زیرا در اینصورت
بر اثر تغییر روش بی دربی چیزی فرا نخواهد گرفت.



پایداری در پیروی از يك روش معین برای نواختن پیانو خستگی و فرسودگی
تولید کرده در پیشرفت کندی پدید میآورد. يك استاد و بر توئز تنها میکوشد تکنیک
خوبی بشاگردان خویش بسیار دلی جانب حقیقی موسیقی را فرو میگذارد. شاگردان
آهنگها را نزد چنین استاد بدرستی ولی بخشگی و سردی وبدون هیچگونه شیرینی و لطف
مینوازند. از طرف دیگر استادی که در سپردن تکنیک بشاگرد سهل انگاری کرده و
تنها چگونگی ایراد (Interpretation) را بسدائنها میآموزد هیچگاه نمیتواند
آنانرا بنواختن آهنگهای دشوار و ادا کند و شاگردانی که تکنیک لازم را ندارند نمیتوانند
در آهنگی که مینوازند احساسات را بدانگونه که در میبایند نشان دهند. يك استاد خوب
باید همچنین بتواند جزئیات آهنگی را که بشاگرد میآموزد توضیح داد و افکار و احساسات

سازنده آهنگ را بوی بفهماند، بدیهی است خوب نواختن يك آهنگ غیر از توانائی بیان آنست و از اینروست که بسیاری از نوازندگان بزرگ چنانکه باید نمی توانند از عهده آموزش پیانو برآیند.

در آموزش پیانو هیچگاه سختی و خشونت نباید بکار برده شود، استاد باید ذوق شاگرد را سنجیده و استعدادی که طبیعت در وی نهاده است پرورش داده وی را بسوی زیباییهای هنر راهنمایی کند نه اینکه ویرا بدوست داشتن يك سبك یا تنفر از سبك دیگر مجبور سازد. وظائف استاد بسیار متعدد و گوناگون است، بدیهی است روی سخن ما با استادانی است که تدریس را تنها بدیده پول دوستی نمینگرند و از جان و دل بآموزش شاگردان خویش همت میکارند.



هر استاد روی تجربیات و ذوق شخصی و تحصیلات خود برای آموزش شاگردان روشی خاص برمیگزیند ولی کار وی هنگامی ارزش دارد که بداند با هر شاگرد چگونه رفتار کند و در پرورش او روشی که با روح، استعداد، سن، و توانائیش، مناسب باشد پیش گیرد. استاد برای اینکه اعتماد شاگرد را نسبت بخویش جلب کند باید بکوشد تا هر دم در وی شوقی تازه برانگیزد و زیباییهای موسیقی را در دیده وی گرانبهار نماید - پرسش های او را بی پاسخ نگذارد - سبب هر چیز را بدو بگوید مثلاً فلان انگشت گذاری (Doigté) چرا از دیگری بهتر است فلان جمله چگونه تغییر شکل یافته است، فلان آکور چگونه برهم چیده شده و چه احساساتی را نشان میدهد و بعبارت دیگر چگونه نکات کوچک و پر معنا موسیقی را دنیائی بس پهناور ساخته اند و تا کسی بتحصیل آن دست نبرده باشد از بزرگیش چیزی در نمیآید.

امروز موضوع آموزش پیانو بسیار وسعت یافته و استادان بزرگی در این فن پدید آمده اند از هر گوشه دنیا شاگردان با اشتیاق تمام بنزد آنان میشتابند تا از خرمن

دانش و تجربیات آنان خوشه‌ای برگیرند - و بیشتر چنین پیش می‌آید که بر اثر زیادی شاگردان این استادان بزرگ نمیتوانند خودشان مستقیماً با آنان کار کنند و اغلب آنان را بدست جانشینان خویش می‌سپارند - مثلاً آلفرد کورتو Alfred Cortot چند هزار شاگرد دارد که شاید بیش از یکبار نواختن هر یک از آنانرا نشنیده است.

نیز استادانی هستند که هر چند شاگرد زیاد ندارند میتوان گفت ارزش شان کمتر از دیگران نیست مانند لازار لوی Lazare Lévy فیلیپ Philipp - کراتیا Gratia - دکریف Degreef و بوسکه Bosquet (در بروکسل) و غیره. ضیق حدود این مقاله اجازه نمیدهد که در جزئیات تکنیکی بحث نموده در زمینه روش های گوناگون کار پیانو گفتگو کنیم و تنها کسانی را که بحسن اراده متصف میباشند متوجه می‌سازیم (وبه کامیابی برای پشت کار نیازمندیم) که امیدواری در اقدام و کامیابی در پشت کار از شرایط حتمی نمیشد.

فریدون فرزانه

